

به چه خواهد شد؟

است که هیچ کدام برایش جذاب نیست

کوتاهی پانتخت را به دست گرفت و سایر شبه‌نظامیان فرقه‌ای را شکست داد. این بار به نظر می‌رسد که دولت لبنان سعی دارد تحت عنوانی نظیر ایجاد مشروعیت داخلی از طریق اصلاحات حکومتی، بهبود اقتصادی و تقویت نهادهی سیاست خود در قبال حزب‌الله را پیش ببرد و از این طریق و به مرور زمان، اهرم سیاسی لازم برای بر خورد با حزب‌الله لبنان، ایجاد کند. به نظر می‌رسد دولت لبنان خوب می‌داند که اقدامات ناگهانی، به‌ویژه تحت فشار اسرائیل و ایالات متحده، می‌تواند باعث بروز ناآرامی‌های فرقه‌ای در لبنان شود و بهبود شکننده اوضاع پس از بحران را از میان برده و برنامه اصلاحات را از مسیر خود خارج کند. در نتیجه، لبنان احتمالاً وارد گفت‌وگوی محتاطانه‌ای خواهد شد و تلاش خواهد کرد تا حزب‌الله را از نظر سیاسی در چار چوبی خاص و تحت رهبری دولت ادغام کند و پیشرفت تدریجی این رویکرد را به بازیگران بین المللی نشان دهد تا زمان بخرد. براساس رویکرد آینده‌نگر، تغییر پایدار باید از درون صورت گیرد و کاهش نفوذ حزب‌الله به انسجام داخلی و صبر استراتژیک نیاز دارد نه اجبار خارجی.

سه سناریوی پیش رو برای حزب‌الله

با در نظر گرفتن نکاتی که بالا ذکر شد، سه سناریو محتمل است. این سه سناریو به ترتیب از احتمال زیاد تا احتمال کم دسته‌بندی شده‌اند. این سناریوها شرح می‌دهند که داینامیک روابط بین دولت لبنان، حزب‌الله و اسرائیل در ماه‌های آینده چگونه ممکن است پیش برود:

خلع سلاح حزب‌الله در میانه فشار خارجی و درگیری‌های کم‌شدت تعلیق‌می‌شود

بهرغم اظهارات صریح دولت جدید لبنان مبنی بر حمایت از حاکمیت ملی و اصلاحات نهادی، در این سناریو هیچ گام ملموسی از سوی دولت لبنان برای خلع سلاح حزب‌الله محتمل نیست. مهمترین دلیل این است که دولت لبنان احتیاط می‌کند و مراقب تنش‌های فرقه‌ای، شکنندگی سیاسی و آسیب‌پذیری‌های اقتصادی خواهد بود و این امر باعث می‌شود که در مواجهه مستقیم با حزب‌الله مردد باشد. در عوض، دولت لبنان به احتمال زیاد گفت‌وگوی تدریجی و اقدامات نمادین را به اقدامات قاطع مانند فشار مستقیم بر حزب‌الله برای خلع سلاح، به جای مجبور کردن حزب‌الله به خلع سلاح، ترجیح خواهد داد.

با این حال، بازیگران خارجی دولت لبنان را برای تغییر لحنش در قبال حزب‌الله تحت فشار قرار خواهند داد. ایالات متحده فشار دیپلماتیک بر دولت لبنان را با هدف

بهرغم اظهارات

صریح دولت جدید لبنان مبنی بر حمایت از حاکمیت ملی و اصلاحات نهادی، در این سناریو هیچ گام ملموسی از سوی دولت لبنان برای خلع سلاح

حزب‌الله محتمل نیست. مهمترین دلیل این است که دولت لبنان احتیاط می‌کند و مراقب تنش‌های فرقه‌ای، شکنندگی سیاسی و آسیب‌پذیری‌های اقتصادی خواهد بود و این امر باعث می‌شود که در مواجهه مستقیم با حزب‌الله مردد باشد. در عوض، دولت لبنان به احتمال زیاد گفت‌وگوی

تدریجی و اقدامات نمادین را به اقدامات قاطع مانند فشار مستقیم بر حزب‌الله برای خلع سلاح، به جای مجبور کردن حزب‌الله به خلع داد

خلع سلاح حزب‌الله و ایجاد کنترل دولت در دستور کار قرار خواهد داد و اسرائیل فشار نظامی بر دولت لبنان را در جنوب حفظ خواهد کرد و به حمله به اهداف حزب‌الله به دلخواه خود ادامه خواهد داد. اگر چه دولت لبنان برای مقاومت در برابر قدرت نظامی اسرائیل تلاش خواهد کرد، اما تسلیم شدن در برابر این فشار خارجی، اعتبار سیاسی دولت لبنان را از بین برده و در نتیجهی فشار بر دولت لبنان برای خلع سلاح حزب‌الله، ابتکارات دولت در خصوص اصلاحات داخلی تضعیف خواهد شد.

بنابراین، مطالبات حداکثری بازیگران خارجی به جای توانمندسازی دولت لبنان، اختلافات را در جامعه لبنان تشدید کرده و حزب‌الله را قادر می‌سازد تا خود را به‌عنوان یک مقاومت مشروع در برابر نفوذ و دخالت بازیگران خارجی، به‌ویژه در بحبوحه حضور و عملیات نظامی مداوم اسرائیل در جنوب لبنان، معرفی کند. در چنین شرایطی حزب‌الله به دولت لبنان فشار خواهد آورد تا به‌عنوان پیش شرط هرگونه مذاکره‌ای در مورد خلع سلاح یا تدوین یک استراتژی دفاع ملی برای لبنان، اسرائیل را مجبور به عقب‌نشینی کند. البته بعید است که اسرائیل با این شرط موافقت کند. به این ترتیب، پیامی به حوزه‌های انتخابیه حزب‌الله ارسال می‌شود مبنی بر اینکه هیچ راهی جز مقاومت وجود ندارد. با گذشت زمان، حزب‌الله مقاومت محدود در برابر پایگاه‌های اسرائیل در جنوب لبنان را در پیش خواهد گرفت و حملات دوره‌ای به شمال اسرائیل را با هدف تلاش برای بیرون راندن نیروهای اسرائیلی انجام خواهد داد.

اسرائیل که از توانایی‌های نظامی حزب‌الله، تقویت مداوم تسلیحات و برنامه‌های مقاومت در طول زمان نگران است، احتمالاً حملات دقیق علیه اهداف حیاتی حزب‌الله را تشدید خواهد کرد و تلاش خواهد کرد تا به تدریج قدرت این گروه را کاهش دهد. علاوه بر این، اسرائیل می‌تواند بار دیگر به‌عنوان یک اقدام دفاعی استراتژیک در برابر تهدجمات یا شلیک موشک‌ها از سوی حزب‌الله، برای ایجاد یا گسترش یک منطقه حائل در جنوب لبنان تلاش کرده و تنش نظامی را تشدید کند. این تحولات لبنان را بی‌ثبات‌تر خواهد کرد و باعث نارضایتی اجتماعی و فشار اقتصادی بیشتر و همچنین به طور بالقوه باعث نارضایتی داخلی و تنش‌های فرقه‌ای خواهد شد. وقوع یک جنگ تمام‌عیار بین حزب‌الله و اسرائیل بعید است، اما خصومت‌ها در امتداد مرز اسرائیل و لبنان دوباره آغاز خواهد شد و این خصومت‌ها منجر به درگیری‌های مکرر در مقیاس کوچک بین حزب‌الله و اسرائیل خواهد شد.

تعیین مرز منجر به عقب‌نشینی اسرائیل و خلع سلاح حزب‌الله می‌شود

در سناریوی دوم، دیپلماسی بین‌المللی پایدار، همراه با صبر استراتژیک حزب‌الله، در نهایت ممکن است شرایطی را برای مذاکرات معنا دار ایجاد کند. حزب‌الله با درک پیامدهای رویارویی مداوم و فشار نظامی اسرائیل، ممکن است به‌طور استراتژیک موضع خود را تعدیل کرده و فضایی را برای میانجیگری بین‌المللی با هدف تعیین مرز بین لبنان و اسرائیل فراهم کند. با پیشرفت مذاکرات، به‌ویژه در مورد سرزمین‌های مورد مناقشه و مرزهای دریایی، این حرکت دیپلماتیک می‌تواند به‌طور مؤثر تنش‌ها را در امتداد مرز کاهش داده و شدت و دفعات حملات نظامی

سه شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۴
سال چهارم - شماره ۷۷۸
www.hammihanonline.ir

اسرائیل را به طور قابل توجهی کمتر کرده و محیطی با ثبات نسبی ایجاد کند.

با بهره‌برداری از این فضای دیپلماتیک-به‌ویژه در صورت پیشرفت مذاکرات ایران و ایالات متحده - دولت لبنان به تدریج حزب‌الله را در مذاکرات داخلی جدی با تمرکز بر تدوین یک استراتژی جامع دفاع ملی برای لبنان مشارکت خواهد داد. این استراتژی تصمیمات مربوط به جنگ و صلح را به دولت منتقل می‌کند و استقلال حزب‌الله را در استفاده از سلاح محدود می‌کند. هدف این مذاکرات ادغام تدریجی قابلیت‌های نظامی حزب‌الله در نهادهای رسمی دولتی لبنان و هموار کردن راه برای خلع سلاح نهایی این گروه خواهد بود. حزب‌الله، با آگاهی از تغییر دینامیک‌های منطقه‌ای و احساسات داخلی لبنان، که به طور فزاینده‌ای طرفدار ثبات و اصلاحات اقتصادی است، ممکن است این گذار را بپذیرد و خود را در درجه اول به عنوان یک حزب سیاسی قوی در چارچوب ساختار سیاسی لبنان، فعال کند.

چنین تغییری نه تنها حاکمیت و اعتبار نهادهی لبنان را افزایش می‌دهد، بلکه حمایت، سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی بین‌المللی قابل توجهی را که قبلاً لبنان به دلیل وضعیت مسلحانه حزب‌الله از آن محروم شده بود، آزاد می‌کند. ترسیم موفقیت‌آمیز مرزها و آغاز غیرنظامی‌سازی حزب‌الله می‌تواند دینفعان بین‌المللی -به‌ویژه ایالات متحده، کشورهای اروپایی و کشورهای حاشیه خلیج فارس - را برای حمایت از تلاش‌های گسترده‌تر برای بهبود و ثبات لبنان، بیشتر ترغیب کند.

رویارویی گسترده به واسطه شکست دیپلماسی از سر گرفته می‌شود

در سناریوی نهایی، شدت فزاینده حملات هوایی اسرائیل که به قلب لبنان، از جمله بیروت، می‌رسد و فشار دیپلماتیک و اقتصادی بی‌وقفه از سوی ایالات متحده، حزب‌الله را به سمت موضعی تهاجمی‌تر سوق می‌دهد. حزب‌الله در مواجهه با عملیات مداوم و هفتمند اسرائیل که با هدف تضعیف قابلیت‌های استراتژیک این گروه، و با اهرم دیپلماتیک و مالی آمریکا انجام می‌شود، احتمالاً به این نتیجه خواهد رسید که موقعیت استراتژیکش با گذشت زمان صرفاً بدتر خواهد شد. در ساختار این محاسبه، حزب‌الله ممکن است رویارویی نظامی قوری را بر تضعیف تدریجی ترجیح دهد و به دنبال به حداقل رساندن اهرم نظامی و سیاسی باقی‌مانده خود باشد. در نتیجه، حزب‌الله احتمالاً در نهایت حملاتی را آغاز خواهد کرد یا به تحریکات اسرائیل به شدت پاسخ خواهد داد و تنش‌ها را در امتداد مرز جنوبی لبنان به‌طور قابل توجهی افزایش خواهد داد. یک درگیری جدید و شدید تنش می‌تواند به سرعت آغاز شود. نقطه آغازین درگیری، تبادل موشک، رگبار موشک‌ها به سمت شهرهای بزرگ اسرائیل و تشدید درگیری‌های زمینی است. حزب‌الله، با پیش‌بینی حملات متقابل و گسترده اسرائیل، بر زیرساخت‌های نظامی زیرزمینی و شبکه‌های حمایت اجتماعی خود تکیه خواهد کرد و بر نارضایتی گسترده عمومی نسبت به فشارهای خارجی، در راستای تقویت مشروعیت داخلی و توجیه اقدامات خود به عنوان یک نیروی دفاعی در برابر تجاوز خارجی حساب باز خواهد کرد.

اسرائیل نیز که از حمایت قوی ایالات متحده برخوردار است و مشتاق بهره‌برداری از این رویکرد حزب‌الله است تا این گروه را بیش از گذشته تضعیف کند، با قدرت پاسخ خواهد داد و عملیات نظامی خود را فراتر از جنوب لبنان گسترش داده و زیرساخت‌های حیاتی حزب‌الله را در سراسر کشور، از جمله مراکز شهری پر جمعیت، هدف قرار خواهد داد. اسرائیل همچنین منطقه حائل خود را در جنوب لبنان گسترش خواهد داد و در لبنان، از استراتژی خود در سوریه و نوار غزه تقلید خواهد کرد. این واکنش تهاجمی می‌تواند منجر به تلفات قابل توجه غیرنظامیان در لبنان، خسارات شدید زیرساختی و بحران گسترده انسانی شود و دولت لبنان را بیش از پیش بی‌ثبات کرده و تلاش‌های تدریجی برای بهبود وضعیت و اجرای اصلاحات را ناکام کند. در داخل، جامعه لبنان با خطر تشدید تنش‌های فرقه‌ای مواجه خواهد شد. بسیج نیروی حزب‌الله و عملیات نظامی گسترده اسرائیل این تنش‌ها را تشدید خواهد کرد. هر چند میانجیگری بین‌المللی تشدید خواهد شد، اما با توجه به محاسبات استراتژیک اسرائیل و حزب‌الله، دستیابی به کاهش سریع تنش یا آتش‌بس پایدار چالش برانگیز خواهد بود.

آینده‌ای شکننده و قابل پیش‌بینی

اگرچه رویدادهای اخیر، دروازه‌ای به سوی دوره‌ای جدید در تاریخ لبنان گشوده است، اما ثبات دولت تازه‌تأسیس در لبنان در چند ماه آینده در بحبوحه فشارهای همه‌جانبه، متزلزل باقی خواهد ماند. حزب‌الله، دولت را از تسلیم شدن در برابر خواسته‌های اسرائیل و ایالات متحده منع خواهد کرد و در آن سو ایالات متحده برای خلع سلاح حزب‌الله تلاش خواهد کرد و اسرائیل که به‌طور فزاینده‌ای تهاجمی عمل می‌کند، به حملات خود به حزب‌الله ادامه خواهد داد و حضور نظامی خود را در جنوب لبنان حفظ خواهد کرد. وضعیت حزب‌الله نیز با توجه به محدود بودن گزینه‌هایش، همچنان خطرناک خواهد بود؛ یا مجبور است وارد درگیری تمام‌عیار مجدد با اسرائیل شود و یا خلع سلاح را بپذیرد؛ و حزب‌الله هیچ کدام از این دو گزینه را جذاب نمی‌داند. از نظر اسرائیل، بازگشت به قوانین سابق درگیری که در آن حزب‌الله مرزهای اسرائیل را تهدید کند، دیگر قابل قبول نیست و با توجه به اینکه ارتش و کابینه اسرائیل با پیروزی بر حزب‌الله در جنگ گذشته جسورتر شده‌اند، اسرائیل تقریباً به طور حتم به تهاجمی بودن و زورگرایی خود ادامه خواهد داد. البته مشخص نیست این فشارها چگونه بیشتر خواهند شد. برای اولین بار در تاریخ معاصر لبنان است که موقعیت حزب‌الله در لبنان تضمین شده نیست و در برای تغییر مسیر دولت لبنان باز است. تعامل میان عوامل متعدد ذکر شده در این نوشتار است که به تعیین مسیر حزب‌الله و لبنان به‌طور کلی کمک خواهد کرد، زیرا اثر جیحات اسرائیل برای اقدام تهاجمی در حال آشکار شدن است.

سیاستمداران



مشاور امنیت ملی جدید

در پی اخراج «مایک والتز»، رئیس‌جمهور آمریکای گوید در حال بررسی «استیون میلر» برای سمت مشاور امنیت ملی آمریکاست. به گزارش ایسنا، «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا روز یکشنبه گفت استیون میلر، معاون ارشد دفتر ریاست‌جمهوری، یکی از گزینه‌های اصلی برای انتصاب به‌عنوان مشاور امنیت ملی پس از برکناری مایک والتز است. ترامپ روز پنج‌شنبه والتز را برکنار کرد و مارکو روبیو، وزیر امور خارجه آمریکا را به‌طور موقت به این سمت منصوب کرد. در حالی که مقام‌های آمریکایی می‌گویند انتظار ندارند ترامپ برای انتخاب فردی دائمی عجله کند، چندین نامزد برای این سمت مطرح شده‌اند. ترامپ در هواپیمای ایر فورس وان، هنگام بازگشت به واشنگتن از تعطیلات آخر هفته‌اش در باشگاه فلوریدا، به خبرنگاران گفت: «قرار است کسی را معرفی کنم.» او گفت انتظار دارد این سمت را ظرف حدود شش ماه پر کند و ممکن است آن فرد استیون میلر باشد. ترامپ گفت: «فکر می‌کنم او تا حدودی به‌طور غیرمستقیم همین حالا هم این نقش را دارد. چون درباره خیلی چیزها نظر دارد. استیون، فرد بسیار ارزشمندی در دولت است.» ترامپ همچنین در مورد شایعات مرتبط به استعفای مایک والتز هم گفت: «او استعفا نداد، شما آدم‌ها خیلی بد هستید. شما سعی می‌کنید از چیزی که نیست، یک مسئله بزرگ بسازید.» استیون میلر، مشاور ارشد و چهره بانفوذ در دولت دونالد ترامپ، یکی از معماران اصلی سیاست‌های مهاجرتی سخت‌گیرانه آمریکا بود. او پیش‌تر برای سناتور «جف سشنز» کار کرده و در دوران ترامپ به‌عنوان مشاور سیاسی و سخن‌نویس فعالیت می‌کرد. میلر مدتی کوتاه هم به‌طور موقت مدیر ارتباطات کاخ سفید بود. او به دلیل دیدگاه‌های تندملی‌گرایانه‌اش مورد انتقاد گسترده قرار گرفته است. مایک والتز پس از افشای استفاده از پیام‌سان رمزگذاری شده «سیگنال» برای هماهنگی حمله‌ای جنجالی به یمن، تحت فشار قرار گرفت. نزدیکی او به نهادهای اطلاعاتی رژیم صهیونیستی هم بر حساسیت‌ها افزود و نهایتاً به اخراجش از سمت مشاور امنیت ملی انجامید. با این حال، ترامپ او را به‌عنوان سفیر آمریکا در سازمان ملل معرفی کرد؛ تصمیمی که واکنش‌های زیادی برانگیخت. معرفی میلر در شرایطی رخ می‌دهد که اندکی پیش از آن ترامپ در جریان مصاحبه‌ای گفت روبیو می‌تواند دو سمت فعلی خود را به‌طور نامحدود ادامه دهد. ترامپ در مصاحبه با شبکه ان‌بی‌سی نیوز و در پاسخ به این پرسش که آیا روبیو می‌تواند این دو سمت را برای مدت نامحدود با هم داشته باشد، گفت: «بله، می‌تواند.»



تذکر اوربان به زلنسکی

اوربان و زلنسکی بر سر چشم‌انداز پیوستن کی‌یف به اتحادیه اروپا اختلاف‌نظر دارند و اوربان به رئیس‌جمهور اوکراین یادآوری کرد که کی‌یف بدون تأیید بوداپست هیچ شانس‌ی برای عضویت در این بلوک ندارد. درگیری لفظی بین ویکتور اوربان، نخست‌وزیر مجارستان و ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین پس از آن شدت گرفت که اوربان هشدار داد عضویت اوکراین در اتحادیه اروپا باعث ورشکستگی اقتصاد مجارستان می‌شود و روند احتمالی پیوستن کی‌یف یک تله اقتصادی جمعی است. رئیس‌جمهور مجارستان همچنین از هدف اتحادیه اروپا برای پذیرش اوکراین تا سال ۲۰۳۰ انتقاد کرد؛ هدفی که اخیراً توسط اورزولا فون در لاین، رئیس کمیسیون اروپا، تکرار شد. اوربان در ادامه گفت: «ما می‌دانیم چه زمانی می‌خواهند اوکراین را وارد کنند. این آینده‌ای مبهم نیست؛ آنها اینجا هستند و در خانه ما می‌زنند. گمانه‌زنی‌ها در مورد زمان و چگونگی آن را فراموش کنید. آنها می‌خواهند این کار را همین الان و در اسرع وقت انجام دهند.» زلنسکی با بیان نظر سنجی داخلی در مجارستان گفت: «۷۰ درصد خواهان عضویت اوکراین در اتحادیه اروپا هستند. این بدان معناست که مردم مجارستان ما را می‌خواهند.»

